



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: معانی حرفیه - مسلک سوم - بررسی نظریه محقق عراقی

سال: چهارم

تاریخ: ۲۱ بهمن ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۸ ربیع الاول ۱۴۳۴

جلسه: ۶۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

تا اینجا چهار نظریه از نظریاتی که در محدوده مسلک سوم قرار می‌گیرد را بیان کردیم، نظریه چهارم، نظریه محقق عراقی بود، محصل فرمایش محقق عراقی در باب معنای حرفی این شد که حروف برای اعراض اضافیه نسبیه وضع شده و هیئات برای ربط و نسبت بین عرض و موضوع آن، وضع شده‌اند. تفاوت و اشتراک نظر محقق عراقی با محقق اصفهانی و محقق نائینی را هم بیان کردیم، حال باید ببینیم آیا فرمایش محقق عراقی تمام است یا خیر؟

### ذکر یک مثال:

قبل از اینکه به بررسی فرمایش ایشان بپردازیم برای روشن‌تر شدن بحث، کلام ایشان را در قالب مثال، توضیح بیشتری می‌دهیم، در مثال «زید فی الدار» که خود محقق عراقی هم آن را ذکر کرده ما یک هیأت داریم که عبارت است از هیأت جمله اسمیه، حرف «فی» هم در این جمله بکار رفته و بدون لفظ «فی» و هیأت جمله اسمیه، «زید» و «دار» دو مفهوم مستقل‌اند، در نظر محقق عراقی «فی» بر عرض نسبی یعنی مقوله این دلالت دارد، اینجا یک اینیت داریم که «دار» این است که همان ظرف می‌باشد «زید» در آن قرار گرفته است، پس «دار» ضمن اینکه یک وجود و مفهوم مستقلی دارد در عین حال یک مفهوم دیگری هم پیدا کرده و در دایره اعراض نسبیه قرار گرفته است و چیزی بر آن عارض شده که مقوله این است. قبلاً گفتیم اعراض دو دسته هستند؛ اعراض نسبیه و اعراض غیر نسبیه، اعراض غیر نسبیه مثل کم و کیف که نیاز به دو طرف ندارند اما اعراض نسبیه آن دسته از اعراض است که نیاز به دو طرف دارد - احتیاج به طرف و موضوع نسبت به مقام وجود است و الا هر دو از نظر مفهومی استقلال دارند و وابسته به غیر نیستند - در ما نحن فیه هم لفظ «فی» برای دلالت بر مقوله این وضع شده که یک عرض نسبی است و «دار» ظرف برای چیزی در خارج قرار گرفته و اگر بخواهد ظرفیت محقق شود نیاز به دو طرف دارد؛ یکی خود «دار» و دیگری چیزی مثل «زید»، پس لفظ «فی» برای دلالت بر مقوله این که یک عرض نسبی است وضع شده است. اما هیأت برای دلالت بر ربط این مقوله به موضوع وضع است، آن چیزی که ربط بین اینیت «دار» و «زید» ایجاد می‌کند، هیأت جمله است. در نظر محقق اصفهانی حرف «فی» ربط بین «دار» و «زید» را ایجاد می‌کرد اما در نظر محقق عراقی این ربط توسط هیأت جمله صورت می‌گیرد و حرف «فی» بر مقوله اینیت «دار» دلالت دارد.

نکته مهم:

نسبت به فرمایش محقق عراقی اشکالاتی شده که این اشکالات ناظر به همین بیان و تقریری است که ما از کلمات ایشان ارائه کردیم. اینجا یک نکته مهمی وجود دارد که خوب است قبل از اینکه به اشکالات نظریه ایشان بپردازیم به آن اشاره کنیم و آن این که آنچه از نظریه محقق عراقی بیان شد بر طبق تقریرات مرحوم آملی از کلمات محقق عراقی در بدایع الافکار است که حروف برای اعراض نسبییه وضع شده‌اند، این تقریر مبنای قضاوت کسانی که به محقق عراقی اشکال کرده‌اند از جمله مرحوم آقای خویی و امام (ره) قرار گرفته است که بر اساس تقریرات مرحوم آملی از کلمات محقق عراقی به ایشان اشکال کرده‌اند. لکن به کلمات خود محقق عراقی که مراجعه می‌شود چه در نه‌ایه الافکار و چه در مقالات الاصول، هیچ جایی ایشان نگفته که حروف برای اعراض نسبییه وضع شده‌اند و اصلاً تعبیر اعراض نسبییه در کلمات محقق عراقی مشاهده نمی‌شود؛ مثلاً ایشان در نه‌ایه الافکار می‌فرماید: «ثم انه بعد ما ظهر من كون معانى الحروف عبارة عن الروابط الذهنية بين المفهومين...»<sup>۱</sup>، ایشان تصریح می‌کند که معانی حروف نسب و روابط ذهنیه است و اصلاً بحث اعراض نسبییه را مطرح نمی‌کند، اگر این را گفتیم بحث اینکه موضوع‌له حروف، اعراض نسبی است کنار گذاشته می‌شود و منظور ایشان اعراض نسبی به گونه‌ای که در حد ذات و ماهیت مستقل و در وجود محتاج غیر باشند نیست چون اگر ما گفتیم موضوع‌له حروف اعراض نسبییه است معنایش این است که معانی حرفیه مفهوماً مستقل هستند و عرض چه نسبی و چه غیر نسبی در وجود خارجی وابسته به غیر است ولی مفهوماً مستقل می‌باشد، پس منظور ایشان از اینکه می‌گوید حروف برای روابط ذهنیه وضع شده‌اند، اعراض نسبییه نیست چون این دو با هم سازگاری ندارد که حروف برای روابط ذهنیه وضع شده باشد و در عین حال از اعراض نسبییه هم باشد. فقط محقق عراقی در یک جا گفته حروف از سنخ اضافات هستند که این تعبیر با ربط هم سازگار است چون روابط ذهنیه هم یک نوع اضافات ذهنیه است. پس اگر گفتیم منظور محقق عراقی این است که موضوع‌له حروف همان روابط ذهنیه است در این صورت تفاوتی بین فرمایش ایشان با کلام محقق اصفهانی وجود نخواهد داشت. اما ما فرض را بر این می‌گذاریم که طبق تقریر مرحوم آملی از کلام محقق عراقی منظور ایشان این است که موضوع‌له حروف اعراض نسبییه است و هیئات برای روابط ذهنیه وضع شده‌اند که در این صورت دو اشکال متوجه نظریه محقق عراقی است که به آنها اشاره می‌کنیم.

### بررسی نظریه محقق عراقی:

**اشکال اول:** اگر معنای حرفی از اعراض نسبییه باشد و حروف برای اعراض نسبییه وضع شده باشند هیچ فرقی بین معنای حرفی و معنای اسمی باقی نخواهد ماند در حالی که خود محقق عراقی معتقد است بین معنای اسمی و معنای حرفی تباین ذاتی و ماهوی وجود دارد - قدر مشترک نظریات مختلف در مسلک سوم این است که بین معنای حرفی و معنای اسمی تباین ذاتی وجود دارد - توضیح مطلب اینکه: وقتی گفته شود معنای حرفی از اعراض نسبییه است معنایش این است که از سنخ وجود رابطی یا وجود معمولی است و وجود رابطی از استقلال مفهومی برخوردار است در حالی که معنای حروف مسلماً نه استقلال مفهومی دارند و نه استقلال وجودی. فرض این است که معنای حرفی استقلال مفهومی هم ندارد لذا اگر گفتیم موضوع‌له

<sup>۱</sup> نه‌ایه الافکار، ج ۱، ص ۴۶.

حروف، اعراض نسبی است، اعراض نسبی در وجود محتاج غیرند اما در مفهوم مستقل اند و نیاز به غیر ندارند و طبق این بیان موضوع‌له لفظ «فی» با موضوع‌له لفظ «ظرفیت» یکی و هر دو عرض نسبی می‌باشند، ظرفیت یک عرض نسبی است و اگر لفظ «فی» هم برای عرض نسبی وضع شده باشد، آن عرض نسبی ظرفیت است که استقلال مفهومی دارد پس هیچ فرقی بین لفظ «فی» و لفظ «ظرفیت» نخواهد بود در حالی که قطعاً این دو با هم فرق دارند و خود محقق عراقی قائل به فرق بین این دو می‌باشد.

#### اشکال دوم:

محقق عراقی در مثل «زید فی الدار» فرمود: لفظ «فی» بر عرض نسبی یعنی مقوله این دلالت دارد و هیأت بر ربط مقوله این به زید دلالت می‌کند پس ما در واقع در این مثال و نظائر آن از یک طرف اضافه و ربط داریم و از طرف دیگر یک عرض نسبی داریم، آنچه ما از این مثال می‌فهمیم این است که حرف «فی» فی نفسه بر نفس ربط بین «زید» و «دار» دلالت می‌کند حال اگر قرار باشد بر عرض نسبی دلالت کند نمی‌توان گفت دلالت آن بر ربط استعمال در غیر ما وضع له است و محقق عراقی نمی‌تواند به این مطلب ملتزم شود، چون در این مثال معلوم است که آن چیزی که بین «زید» و «دار» ارتباط و اتصال برقرار کرده، کلمه «فی» است، پس استعمال لفظ «فی» و دلالت آن بر ربط بین «زید» و «دار» استعمال در ما وضع له است و نمی‌توان ملتزم شد به اینکه این استعمال، استعمال در غیر ما وضع له است یعنی نمی‌توان گفت لفظ «فی» فقط بر عرض نسبی دلالت می‌کند و دلالتی بر ربط ندارد.

#### نتیجه:

در مجموع به نظر می‌رسد بنا بر فرمایش محقق عراقی یا اصلاً حروف برای عرض نسبی وضع نشده‌اند بلکه برای روابط ذهنیه وضع شده‌اند که در این صورت نظر ایشان به نظریه محقق اصفهانی برمی‌گردد و اگر هم طبق تقریر مرحوم آملی از کلمات محقق عراقی گفتیم به نظر ایشان حروف برای اعراض نسبی وضع شده‌اند این دو اشکالی که ذکر شد بر کلام ایشان وارد و نظریه ایشان مردود است. نظریه پنجم که از طرف مرحوم آقای خویی ارائه شده را انشاء الله در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

#### انقلاب اسلامی ایران سرمایه بشریت است

به مناسبت اینکه فردا روز بیست و دوم بهمن است لازم است به مناسبت این ایام (دهه فجر) چند جمله‌ای را عرض کنیم، چون انقلاب اسلامی در ایران یک پدیده‌ای است که نمی‌توان در رابطه با آن بی توجه بود یعنی هیچ منصفی نمی‌تواند در رابطه با این مقوله هرچند سال‌های سال هم از آن گذشته باشد اظهار نظری نکند، بالاخره این انقلاب در شرائطی که روح یأس و ناامیدی از دین و معنویت، در جامعه حاکم بوددل‌ها و قلوب انسان‌های زیادی را متوجه دین کرد، بریدگان بسیاری از دایره اسلام را دوباره به اسلام امیدوار کرد و شیعیان زیادی را که در اقصی نقاط عالم و در کشورهای مختلف و با نژادهای مختلف زندگی می‌کردند به این کانون متوجه کرد، یعنی این انقلاب در شرائطی به وقوع پیوست که دیانت و اسلام و تشیع به شدت محتاج حیات مجدد و خون تازه در رگهای خودش بود، این انقلاب با اتحاد مردم و به رهبری امام (ره) به وقوع پیوست، یعنی رهبر این انقلاب کسی بود که از هر جهت یک شخصیت استثنائی بود، هم از جهت علمی در ابعاد مختلف علوم دینی، یعنی؛

فقه، عرفان، فلسفه و تفسیر سرآمد روزگار بود و در همه این امور صاحب نظر بود، پس یک شخصیت استثنائی، یک انقلاب استثنائی را در یک شرائط خاصی رهبری کرد و این انقلاب با تدبیر و عنایات الهی و توجهات حضرت ولی عصر (عج) به پیروزی رسید.

این انقلاب سرمایه‌ای است برای مجموعه مسلمانان و حتی می‌توان گفت سرمایه‌ای برای تمام بشریت اعم از شیعه و غیر شیعه و مسلمان و غیر مسلمان و روحانی و غیر روحانی است، همان گونه که افراد در زندگی عادی خود در اثر کار و تلاش و کوشش گاهی سرمایه‌ای برای خود جمع می‌کنند، بشریت هم در طول تاریخ برای خودش سرمایه‌هایی جمع می‌کند، یعنی همان گونه که یک فرد برای خودش سرمایه جمع می‌کند جامعه هم برای خودش سرمایه می‌اندوزد و این سرمایه دیدنی نیست و در یک زمان کوتاه هم بدست نمی‌آید بلکه محصول تلاش‌های مستمر و طاقت فرسایی است که ممکن است در طی دهه‌ها و حتی قرن‌ها جمع شود و بعد از آن شروع به ثمر دادن کند، پس این انقلاب سرمایه‌ای است که متعلق به گروه و طایفه خاصی نیست و حفظ آن لازم و ضروری است، حفظ این سرمایه واقعاً در شرائط سختی که ما با آن مواجه هستیم یکی از وظائف مهم است که نباید از آن غفلت شود، شرائط کنونی جامعه یک شرائط خاص و استثنائی است، مشکلات، فشارهای خارجی، تحریم‌ها، مشکلات داخلی و غیره شرائط خاصی را برای کشور فراهم کرده و حفظ این سرمایه را دشوار کرده است، در اینکه همه باید از کلیت انقلاب دفاع کنند تردیدی نیست، همه باید در جلوه‌های حمایت از این انقلاب بخصوص راهپیمایی ۲۲ بهمن باید حضور داشته باشند، چون این راهپیمایی برای دفاع از همان سرمایه انقلاب است، ممکن است کسی در مسیر دفاع از سرمایه انقلاب، ضررهایی را هم متحمل شود کما اینکه ممکن است انسان در معاملاتی که انجام می‌دهد ضرر کند، اما اصل آن سرمایه باید حفظ شود، بالاخره ۲۲ بهمن حرکتی است برای دفاع از اصل سرمایه انقلاب و نمادی است برای دفاع از اصول انقلاب، وحدت، ولایت فقیه، استقلال و حفظ تمامیت ارضی، لذا همه افراد جامعه با همه سلاقی که دارند باید با حضور خود در این حماسه در حفظ سرمایه انقلاب کوشا باشند، این نکته هم مهم است که حفظ این سرمایه مقدمات، شرائط و تمهیداتی را می‌طلبد که از آن جمله این است که مسؤولین باید برای قدر شناسی از حضور مردم در این عرصه‌ها نسبت به امور مردم اهتمام داشته و در صدد بر طرف کردن مشکلات مردم خصوصاً گرانی بیش از حد که طبقه محروم جامعه را تحت فشار قرار داده، باشند و این نیازمند تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح است که تا حد ممکن از این فشارها کاسته شود، ما نباید همه مشکلات را ناشی از تحریم‌ها از سوی کشورهای بیگانه بدانیم بلکه پیشبرد امور در این شرائط سخت تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح را می‌طلبد که مسؤولین باید نسبت به آن تلاشی مضاعف داشته باشند، و آن احساس عزت و افتخار باید همیشه حفظ شود و ملت باید این را در درون خود حس کنند و نباید حس کنند که به مرور این عزت لطمه می‌خورد لذا همان گونه که رهبر معظم انقلاب هم فرمودند باید همه مسؤولین به فکر حل مشکلات مردم با برنامه‌ریزی صحیح باشند و قدر شناس حضور مردم در صحنه‌های دفاع از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولایت فقیه باشند.

«والحمد لله رب العالمین»